



گفت‌وگو با سمیرا اسعدی که این روزها با روشن نگه داشتن چراغ خیریه ادامه‌دهنده راه مادرش است

دست‌هایی که بوی خیر می‌دهند

۹۹

شهربانو

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۶۵۰ روزنامه شهرآرآر

۲شنبه ۵ ۰۲ ۱۴۰۱

شهر مهربانی
با همسایه‌داری
در رمضان

بانوان مشهدی در حاشیه شهرها
در روزهای بلند روزه‌داری سنگ تمام گذاشتند

۶

قرار نیست
همه چیز
به «خاطره»
تبدیل شود

نگذاریم نهادهای دولتی
وظایف ما را تغییر دهند

۳



شان و منزلت زن؛ الگوی سوم زن مسلمان

بدون اغراق، زن نیمرخ از شأن خالقیت و ربوبیت خالق عظیم و کریم در جهان هستی است. تنها از چنین دریچهای است که می توان به تبیین و تفسیر نقش بی بدیل زن در نقش همسری، مادری، اجتماعی و تربیت فرزندان پرداخت. مجموعه کنش های انسان در نظام توحیدی بر اساس چهار مؤلفه فطرت، طبیعت، عقلانیت و معنویت قابل تبیین و تشریح است. یکی از وجوه متمایز آیین عرشی رسول خدا ارائه الگودر همه زمینه های زیربنایی جامعه بر اساس مؤلفه های فوق است. فلسفه خواندن خطبه عقد زوجیت حضرت زهرا (س) با امیرالمؤمنین علی (ع) از سوی رسول مهر و محبت، رونمایی از منشور همسرگزینی و همسرداری در آیین محمدی و سیره نبوی و علوی است. منشوری که به لطف الهی به رغم همه مشکلات حادث شده از سوی معاندان در طول تاریخ هم چنان زنده و بالنده است و به کوری چشم بدخواهان، برای همیشه بر پیشانی تاریخ خواهد درخشید و ترسیمگر سبک زندگی مؤمنانه، مجاهدانه و ماندگار برای بشریت خواهد بود. بر اساس چنین بینشی است که زن و خانواده در منظومه فکری معمار بزرگ انقلاب و معظم له نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار است و نسخه غرب و شرق درباره زنان را توطئه ای برای تزلزل و فروپاشی نظام خانواده و دست درازی به مطامع پلید و خبیث خود می دانند. انقلاب اسلامی در ذات و جوهر اصلی خود، می تواند نسخه ای از بعثت نبی مکرم اسلام باشد. برنامه اصلی انقلاب اسلامی آزاد کردن انسان از عبودیت قدرت های ستمکار و مستکبر و صیانت از عزت و کرامت ذاتی اوست. یکی از سرفصل های عمده و راهبردی انقلاب اسلامی، هویت بخشیدن به شأن و منزلت زن به عنوان محور و ستون اصلی نهاد خانواده و جامعه است. طنین چنین شعارهایی در جغرافیای کره خاکی، بداندیشان و کینه توزان غرب و شرق را بر آن داشت که برای مسخ و استحاله کردن برنامه هویت بخش انقلاب، برنامه ریزی کنند. آنان که ظهور انقلاب را خاری در چشم خود می دانند، به تشکیل اتاق های فکر برای مشکل تراشی و ایجاد شبهه در عرصه های مختلف و نشانه گرفتن شأن و منزلت زن به عنوان نقطه ثقل و کانون آرامش بخش خانواده مبادرت کردند. یکی از رسالت های عمده انقلاب اسلامی ایران، تبیین شأن و منزلت زن در نقش همسری و مقام مقدس مادری بر اساس منظومه فکری قرآن و سیره رسول خاتم بارعایت مقتضیات زمان و مکان است. شکستن طلسم خانه نشینی زن و مبارزه با اوهام و خرافات و برداشتن موانع رشد و تعالی او، از موهبت های ارزشمند انقلاب اسلامی در چهار دهه گذشته بوده است. واقعیت این است که جنجال آفرینی اردوگاه غرب و شرق در دفاع از حقوق زن، اقدام مضحکی است که سوغاتی جز بهره کشی جنسی و اقتصادی از او را به همراه نداشته است و ندارد. توصیه های رهبر معظم انقلاب در ارتباط با نقش آفرینی زنان، از نگاه تیزبین رهبر معظم له در گشودن همه موانع رشد و تعالی آنان نشان دارد. ایشان در فرازی از بیانات خود چنین می فرماید: باید ذهنمان را از حرف های کلیشه ای غربی ها درباره زنان خالی کنیم. افکار آنان مطلقاً نمی تواند مایه سعادت و هدایت جامعه بشری باشد. از نظر ایشان، مغز متحجر غربی ها که اسیر نفسانیات و شهوات زندگی مادی شده است، عاجز از درک درستی از چشمه زلال عاطفه، محبت و احساسات پاک و عقیف زنان است. صفا و صمیمیت اجتماعی در عشق مادری ریشه دارد. قبول کنیم که صداقت، فرزانی، جوانمردی، شجاعت و همه فضایل فردی و اجتماعی از مهر و محبت وصف ناپذیر مادر سرچشمه می گیرد. اولین تغذیه روحی را نیز به او هدیه می کند. با چنین نگاهی، زن در منظومه فکری انقلاب اسلامی رکن اصلی پیشرفت متوازن و پایدار و پرچم غفت و پاک جامعه محسوب می شود.

شهربانو

۲۳ شهریور
۵ اردیبهشت ۱۴۰۱
۲۳ رمضان ۱۴۴۴ شماره ۳۶۰

(۲)

حمیده وحیدی
روزنامه نگار

(آفاق)

رمضان هنوز عطر اقا قیا دارد

دیگر روی سرمان سایه بیندازد. یک نفر به تازگی کرونا را از سر گذرانده است و حرف گرگشایی و ذکر صلوات برای این و آن است. از تحلیل و نقد و بررسی چندی که کدام جای جهان چه اتفاقی افتاده و کدام گروه سیاسی چه کرده است خبری نیست، حرف های که صبح تا شب به گوشم آشناست و از محل کار تا فضای مجازی مدام با خودم حمل می کنم. حالم بی آنکه به چیزی فکر کنم خوش می شود. حرف هایشان از جس دل مردم است، از خودشان می جوشد و به ذاتشان برمی گردد. در جمع زنانه، چند نفر هستند که از گذشته مادرانگی را بدون طرح قبلی بر دوش گرفته اند. یکی مسئول سامان دهی نذریات است، یکی دیگ و پایه و قابلمه برای مراسم مختلف به همسایه ها قرض می دهد و دیگری حواسش هست مبدا کسی دستش خالی باشد. زن جوان همسایه نیامده در این محل، خودش را با شرایط وقف داده است. رنگ و لعاب جهیزیه اش از چیز دیگری خبر می دهد اما سادگی زنان محله او را هم وادار کرده است به انداختن سفره نان و پنیر مانند دیگر خانه ها بسند کند. امشب به واسطه میزبانی، با او بیشتر حرف زدم و رابطه مان از حد سر تکان دادن در وسط کوچه به لیخنند خودمانی و چند جمله درباره خانواده هایمان فراتر رفته است. سفره که جمع می شود، به سرعت برمی خیزم. مانند همیشه که همه زندگی ام در شتاب است، با همه خدا حافظی می کنم. زن ها فارغ از افطاری، کتاب های دعایشان را باز کرده اند. توی کوچه هوا بارانی است. امسال اقا قیا زودتر از هر سال آمده است. به سمت خانه می روم. بنای مسافر خانه ای که قبل از عید کلنگ خورد بود به سرعت در حال سایه انداختن روی خانه مان است. عمر یک خانه قدیمی دیگر هم تمام شد.

برای ما آدم هایی که حوالی حرم مطهر امام رضا (ع) و در شلوغی و ترافیک همیشگی زندگی می کنیم و گاهی دُز نق زدنمان بالا می رود که ای داد بیداد، باز شلوغی و تعداد زائران زیاد شد، یک چیزهایی خاص و ویژه است که از چشمان دور می ماند و جز با آمدن محرم و صفر و ماه رمضان یادآوری نمی شود، آن هم صفای خانه های کوتاهی است که بین ساخت و ساز هتل ها هنوز هویت خود را حفظ کرده اند و دل بزرگ آدم هایشان نور را از گلدسته های حرم می گیرد و در محله پخش می کند. نزدیک افطار که کلید را توی در می چرخانم، صدای زنانه ای از پشت سر می خواندم: «همسایه، همسایه، تشریف بیاورید افطاری! مجلس خودمانی است.» برمی گردم و می بینم زن جوان همسایه که تازه به این محله آمده صدایم کرده است. لیخننده لب از این دعوت غیرمنتظره، به سمت آپارتمان نوسازی رخ می چرخانم که شب ها نور چراغ هایش توی حیاط خانه مان می افتد. جز سلام و احوالپرسی گاه به گاه که به یک سر چرخانند باشد، تا امروز چیزی بینمان نبوده است. به دلیل شغل و کمبود زمان، کمتر در جمع های زنانه محله شرکت داشته ام اما زنان قدیمی هر وقت و هر جا گیرم انداخته اند دستم را گرفته و فشاری داده اند و با خنده و تشر مادر گونه گفته اند: «بین حواسمان بهت هست که این طرف و آن طرف کمتر می آیی و مدام سرکار هستی. یک کم به همسایه داری برس!»

سفره افطاری زن جوان همسایه به سادگی همان سوپ و نان و سبزی است. اضافه ترش حال و احوال از این و آن است. تازه می فهمم که دو خانه آن طرف تر دختر شش ساله یکی از اهالی دستش شکسته. همین طور یکی از همسایه ها خانه اش را فروخته است و قرار است به زودی یک آپارتمان بلندبالای

قرار نیست همه چیز به «خاطره» تبدیل شود

نگذاریم نهادها و موسسه‌های دولتی وظایف ما را تغییر دهند

قرار نیست همه چیز به خاطره تبدیل شود. قرار نیست همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها سینه‌به‌سینه نقل شوند و نسل بعد از زبان نسل قبل بشنوند.

قرار بر استمرار است، انتقال یک سنت از پدر و مادر به فرزندان، از یک خانه به چند خانه دیگر. قرار بر تکثیر است، نه محدود کردن و محدود شدن.

باز هم نباید بگذاریم پای نهادها و موسسه‌های دولتی وسط بیاید. اصل کار به دست مردم است: مردم محله، فامیل و اعضای خانواده.

ما روزهای خوب جلسات خانگی قرآن را به خاطر داریم، روزهایی که به ذوق جلسه قرآن، اتاق‌ها را مرتب می‌کردیم و فنجان‌ها را از جعبه در می‌آوردیم و قندان‌ها را پر می‌کردیم، حیاط را آب و جارو می‌زدیم، زیباترین پیراهن‌هایمان را می‌پوشدیم و هر کدام منتظر لحظه‌ای بودیم که مسئولیت‌مان را درست و بجا انجام دهیم.

یکی چای‌ریز بود و یکی پای ظرف‌شویی و یکی آمار بگیر میهمان‌هایی که یکی یکی و دوتا دوتا می‌رسیدند و باید پذیرایی می‌شدند.

پذیرایی چه بود؟ چای و خرما و نقل و کیک‌هایی که شب قبل مادر در کیک‌پز پخته بود و شاید ویفرهایی که در خانه درست کرده بود و شاید یک دیس حلوا.

این‌ها سنت‌های خانگی هستند، نه بخشی از خاطرات یک نسل. سنت باید تکثیر شود که بماند. از هر خانه چهار یا پنج فرزند به ثمر می‌رسند و بجاست که هر کدام همین رسم را در خانه‌شان راه بیندازند.

حتما که نباید دورتادور اتاق پذیرایی آدم بنشیند. با پنج شش نفر هم می‌شود یک روزه خانگی ماهانه داشت، یک روزه‌خوان بیاید یا دوره قرآن باشد و جلسه ماهانه یا هفتگی که در خانه‌ها بچرخد و همه با قرآن انس بگیرند. برکت این جلسه‌ها را نمی‌توان شمرد.

صله رحم و خیر گرفتن از احوال نزدیکان اولین اثرش بود، شناخت واقعی آدم‌ها که دختردارها و پسردارها را برای یافتن مورد مناسب ازدواج یاری می‌کرد، شناختی که همه‌جانبه بود و آرام آرام به دست می‌آمد و وصلت‌هایی محکم شکل می‌گرفت.

اگر مشکلی برای یک نفر پیش می‌آمد، این جلسات نقش شورای حل اختلاف را داشت و اگر مسئله مالی بود، صندوق قرض الحسنه نانوشت و ثبت نشده مشکل را حل می‌کرد، بدون سپرده و ضامن و پرونده.

چه غصه‌ها که از دل مادرها پر می‌کشید و چه شادی‌ها که نصیب کودکان می‌شد و چه بارهایی که از دوش پدرها برداشته می‌شد.

جلساتی داریم با قدمت ۱۰۰ سال و ۵۰ سال. چندین نسل پای همین جلسات بزرگ شدند و به کمال رسیدند.

اینکه فضای مجازی به جای ارتقای فکر و اندیشه و علم به عرصه جلوه‌گری‌ها و مانور



عکس: سناز صفایی / شهرآرا

بگذارند، زمانه هم دوباره عوض می‌شود. گسست‌های خرد اجتماعی آغاز گسیختن شیرازه یک ملت است و برای پر کردن این رگه‌های ریز باید برای احیا و تکثیر پیوندهای خرد اقدام کرد. جلسات روزه خانگی، دوره‌های قرآن محله، قرآن‌خوانی‌های روزانه و چرخشی ماه رمضان و مراسم شب‌های قدر در منازل هم مورد نیاز روح و روان آدم امروز هستند هم باعث محکم شدن و متراکم شدن بافت اجتماعی.

راه‌رهایی از دنیای غیرواقعی برگشت به دنیای واقعی و ترمیم روابط است. ماه رمضان شروع خوبی برای احیای جلسات خانگی است. در کنار شناساندن مؤلفه‌های زندگی عصر ارتباطات به نسل‌های نو، اصل ارتباط با مفاهیم و سنت‌های ملی و مذهبی را هم مهم بدانیم و حتی مهم‌تر. مشارکت و دور هم جمع شدن اعضای خانواده در یک اتفاق شیرین خانوادگی را تجربه کنیم. اگر فکر می‌کنیم از هم فاصله گرفته‌ایم، از تجربه تاریخی ایرانی‌مان در باب جمع شدن و حرف زدن و تقسیم وظایف و تمهید مقدمات و اجرای این مراسم پاک خانواده استفاده کنیم.

دخترهای خانواده مسئول لوازم پذیرایی، پسرها مسئول خرید، پدرها هماهنگ‌کننده سخنران، مادرها مدیریت کامل جلسه، عمه‌ها و خاله‌ها هر کدام یک قسمت کار، دایی‌ها و عموها کنار دست پدر و

شور و هیجان برگزار کردن یک روزه خانگی را برای فرزندانمان تکرار کنیم. فرزندانمان نباید در حسرت خاطرات ما بمانند و آه بکشند و آرزوی روزهایی را داشته باشند که با همت ما می‌توانند به راحتی تکرار شوند.

چراغ جلسات خانگی را روشن کنیم حتی با یک فنجان چای و یک قندان نقل سفید و بوی اسپند. چیز زیادی نمی‌خواهد. ما را می‌خواهد و همت ما. خاطره‌ها را زنده کنیم. این وظیفه ماست و حق فرزندانمان.

دادن‌ها تبدیل شده است، یک جنبه‌اش به دلیل نبودن همین جلسات خانگی است. این البته آسیب است که فضای جلسات و دوره‌های خانگی مستعد جلوه‌گری است اما اگر جلوه‌گری هم هست، واقعی است و دروغ و مکر و فریب نیست. چه بسا دیده شدن در یک جمع خانگی و محلی و بین آدم‌های واقعی و شنیدن تمجید و تعریف‌هایشان، هوای جلوه‌های دروغین مجازی را از سر انسان به در کند و به یک زندگی واقعی و شیرین برگردد.

همه خسته‌اند از آدم‌های بزرگ شده، از زندگی‌های بزرگ شده، از آدم‌هایی که دارند شکل هم می‌شوند، لباس‌هایشان، چهره‌هایشان، خوردنی‌هایشان و حتی حرف‌زدنشان، آدم‌هایی که واقعیتشان با فیلم‌هایشان فرق می‌کند. جلسه‌های خانگی همه چیزش واقعی است: آدم‌هایش، زندگی‌شان، چهره‌هایشان، خوردنی‌هایشان و حرف‌زدنشان.

مشکل امروز ارتباط است. ارتباطات ضعیف اجتماعی در عصر ارتباطات یک تناقض دردآور است. ارتباطات در بافت جامعه باید شکل بگیرد، نه بین صفحات مجازی. آنکه دنبال کنندگان بیشتری دارد ارتباطات بیشترش است یا آنکه بین اهل محل و بستگان بیشتر محل رجوع است؟ من می‌گویم ارتباطات غیرواقعی و مجازی لزوما ارتباط نیست. شبه‌ارتباط است. کسی که از حال و روز همسایه و فامیل بی‌خبر است چطور ادعا می‌کند اهل روابط اجتماعی است؟ روابط اجتماعی مسئله حل‌کن است و روابط مجازی اصولاً بی‌مسئولیت. ارتباطات مجازی باید و می‌تواند کمک‌کننده روابط اجتماعی باشد، نه جایگزین آن.

نگوییم زمانه عوض شده است و دیگر نمی‌شود مثل گذشته بود که می‌گویم زمانه را آدم‌های زمانه می‌سازند. اگر آدم‌ها تنبلی و بی‌حالی و بی‌حوصلگی و بد اخلاقی را کنار



مریم قربانزاده نویسنده

خورشید

شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴۰۱
شماره ۲۴۵۰

(۳)



گفت‌وگو با سمیرا اسعدی که این روزها
با روشن نگه‌داشتن چراغ خیریه
ادامه‌دهنده راه مادرش است

دست‌هایی که بوی خیر می‌دهند

هرکدام از خیریه‌هایی که برای گرگشایی از کار مردم راه‌اندازی می‌شود، برای خود قصه و داستانی دارد. گاهی مسجدها دور هم جمع می‌شوند و خیریه‌ای راه می‌اندازند. گاهی اهالی محله و گاهی هم اعضای یک خانواده دست در دست هم می‌گذارند تا باری از روی دوش مردم نیازمند بردارند، مانند خیریه‌ای که حاجیه خانم بیابانی در سال ۶۰ راه‌اندازی می‌کند. خیریه در سال ۷۰ با کسب مجوزهای لازم به طور رسمی کار خود را شروع می‌کند و خانواده‌های نیازمند بسیاری از نقاط مختلف شهر تحت حمایت این خیریه قرار می‌گیرند. اکنون این مجموعه به زنان سرپرست خانوار و کودکان خدمات ویژه‌ای ارائه می‌دهد.



لیلا جان‌قربان



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴۰۱
شماره ۲۴۵۰

(۴)

✚ خیریه‌ای که سال ۶۰ کلید خورد

ماجرای اینجاست شروع می‌شود. حاجیه خانم بیابانی از سال ۶۰ ساکن محله امام خمینی بوده است. او از همان سال، با کمک بانوان محله، کارش را شروع می‌کند. بدون هیچ نام و نشانی، برای نو عروسان جهیزیه جمع می‌کند، نان به سفره نیازمندان می‌رساند و لباس گرم تن بچه‌های یتیم می‌کند. ۱۰ سال در همان منطقه پانزده خرداد فعالیت می‌کند تا اینکه حدود سال ۷۰ خانه و زندگی‌اش را به بولوار وکیل آباد می‌برد. با جابه‌جایی خانه، به فکر خرید زمینی برای تأسیس خیریه می‌افتد. سال ۷۰ خیریه‌ای به نام سجادیه توس راه می‌اندازد، خیریه‌ای که این روزها ساکن آن را به دست دخترش سمیرا اسعدی سپرده است. «مادر من هنوز هم کارهای خیریه را انجام می‌دهد ولی چون به قولی پا به سن گذاشته و خیلی نمی‌تواند دنبال کارهای اداری باشد، مسئولیت خیریه را به من سپرده است. مادر من برای ما برنامه داشت. از همان اول، من و خواهرم و برادرهایم را طوری تربیت کرد که ادامه‌دهنده این راه باشیم. در اصل، در همین خیریه و در کنار کارهای خیر مادر من بزرگ شده و به اندازه توان در کارها شریک بوده‌ایم. خاطرم هست که از همان دوران دبیرستان کارها را به من می‌سپرد تا یاد بگیرم و راه بیفتم. البته این یاد گرفتن و راه افتادن در کار خیر روی زندگی ما آثار فراوانی داشته است و خیر و برکت بسیاری از آن دیده‌ایم. برکت بهترین عنایتی است که با دعای خیر مردم به ما رسیده است.»

✚ از جهیزیه دادن تا بسته غذایی و نوشت‌افزار

بعد از چند سال فعالیت در خیابان امام رضا، این بانوی نیکوکار به کمک همسرش زمینی را در محدوده اقبال لاهوری خریداری می‌کند و بنای خیریه‌ای را که به نام حضرت سجاد^(ع) است در آنجا می‌گذارد. «مادر من با کمک پدرم زمین را می‌خرد و بنا بر عنایتی که حضرت سجاد^(ع) به زندگی ما داشت، نام این خیریه را سجادیه گذاشتند. چون زمان ثبت و دریافت مجوزها مشخص شد خیریه دیگری به این نام هست، کلمه «توس» را به انتهای آن اضافه کردند. عنایت حضرت سجاد^(ع) به کارهای ما آن قدر زیاد است که بیشتر مراسم به‌ویژه اهدای جهیزیه‌ها در ولادت این امام بزرگوار انجام می‌شود. مادر من زمانی که زمین اینجاست را خرید در این محدوده چندان ساخت‌وسازی نشده بود و بیشتر بیابان بود. همان سال ۷۰ یک طبقه از بنا را با آشپزخانه می‌سازند و شروع به کار می‌کنند. خدماتی هم که ارائه می‌دهند همه حوره بوده است، از جهیزیه دادن تا بسته غذایی و نوشت‌افزار و این جور موارد. ساخت آشپزخانه در اولین قدم هم به این دلیل بوده است که همه غذاهایی که به نیت نیکوکاران تهیه می‌شود همین‌جا پخته و آماده شود. الان هم این آشپزخانه پابرجاست و برای مجالس مختلف مثل روضه‌ها و حتی عروسی‌های خیریه، خودمان غذا تهیه می‌کنیم.»

✚ حمایت از ۵۰ خانواده

«تعداد خانواده‌ها در دوره‌های مختلف متفاوت است. مثلاً سال‌هایی بوده است که حدود هزار خانواده را تحت حمایت داشته‌ایم ولی الان حدود ۵۰۰ خانواده به‌طور مستقیم تحت حمایت خیریه هستند و در مناطق مختلف مشهد زندگی می‌کنند. شرایط اقتصادی روی کمک‌های خیران هم تأثیر می‌گذارد و کمک‌ها کم و زیاد می‌شود. البته شکر خدا در هر شرایطی توانسته‌ایم در خدمت خانواده‌ها باشیم و هیچ‌وقت نمانده‌ایم. کارهایی که برای خانواده‌های تحت پوشش خیریه انجام می‌دهیم این است که در ایام مختلف، بسته‌های معیشتی و فرهنگی برای آن‌ها می‌بریم. در کنار این موضوع، عید نوروز، اول ماه مهر و ماه مبارک رمضان بسته‌هایی ویژه به خانواده‌ها می‌دهیم. این کمک‌ها شامل خانواده‌هایی می‌شود که به هر دلیلی نمی‌توانند مخارج زندگی خود را تأمین کنند. امکان این را ندارند که کاری انجام دهند و در فهرست همیشگی ما هستند. در کنار این مددجویان، افرادی را هم داریم که باوامی مشکل آن‌ها حل می‌شود یا اگر برای آن‌ها وسیله تأمین شود، می‌توانند کار کنند. از این افراد هم حمایت می‌کنیم و برای آن‌ها زمینه اشتغال ایجاد می‌کنیم. مثلاً همین چند وقت پیش، برای بنده خدایی موتور خریدیم و با کار در پیک موتوری، هم مشکل خودش حل شد هم توانست اقساطی هزینه موتور را بپردازد. خانمی با خرید یک چرخ خیاطی، کارش راه افتاد و توانست خرج خودش را در بیاورد. هر طور بتوانیم، سعی می‌کنیم گرّه باز کنیم و این گرگشایی از ما نیست بلکه از لطفی است که خداوند و نیکوکاران به ما دارند.»

✚ آموزش همراه با کار

کمک به کارآفرینی و به خرید وسیله محله خیریه در چند طبقه اشتغال ایجاد می‌شود. تحصیلی مراجعه کنند مراجعہ کنندگان فراهم توانمند کردن افراد بر یک مادر دل‌سوز در زده خانوادگی که متأسفانه بنای خیریه به کمک کلاس‌های مختلف آن کرنا، این کلاس‌ها هم برای آموزش حرفه کلاس‌های آموزشی می‌شود. در همین ط راه انداختیم. از ساخ یکی از طبقه‌ها کارگر بچگانه داریم. همه خانوادهاند و خرج خان ضروری ندارند سفار از طبقات خیریه مهد دلیل کرنا آن را تعطیل برای مدارس و لباس

حدود ۸۰۰ دانش آموز از ناحیه های گوناگون مشهد را زیر پوشش داریم. هر سال عید برای آن ها آذوقه و لباس کامل تهیه می کنیم. دانش آموزان زیر پوشش خیریه را تا دانشگاه حمایت می کنیم



عکس: مهدیه غفوریان شهرآرا

هر سال ۵۰ عروس و داماد

در کنار دیگر اقدامات حمایتی، این خیریه هر سال ۵۰ زوج را به خانه بخت روانه می کند و به برخی زوج های نیازمند برای مدتی خانه می دهد. «به کمک خیران، هر سال حدود ۵۰ سری جهیزیه به زوج های جوان می دهیم. اینکه می گویم جهیزیه، این طور نیست که فقط برای عروس خانم ها باشد. خیلی وقت ها هم شده است که به آقا پسر ها جهیزیه داده ایم. با این اوضاع اقتصادی و گرانی لوازم، بندگان خدا حق دارند نتوانند همه وسایل را تهیه کنند. برخی جهیزیه ها کامل است ولی بعضی افراد جهیزیه کامل نمی خواهند و وسایلی را که کم دارند برای آن ها تهیه می کنیم. مثلاً عروس خانمی داشتیم که فقط وسایل برقی را کم داشت یا یک نفر دیگر فقط وسایل آشپزخانه می خواست یا آقای دامادی داشتیم که همه وسایل را خودش گرفته بود و فقط یخچال کم داشت که تقدیم کردیم. ما اینجا کلاس های آموزشی هم برای زوج های جوان داریم. در این کلاس ها زوج های جوانی که از خیریه جهیزیه دریافت می کنند آموزش های مختلف همسرداری را می آموزند تا در آینده مشکلات کمتری داشته باشند. البته کلاس ها اجباری نیست ولی خود عروس خانم ها و آقا داماد ها به آموزش علاقه دارند و پیگیری می کنند دوره هایی را بگذرانند تا زندگی بهتری داشته باشند. قبلاً که کرونا نبود، همین جا در خیریه مجلس عروسی هم برگزار می کردیم. در همه هزینه ها به آن ها کمک می کردیم. غذای عروسی را هم در آشپزخانه خیریه می پختیم. برای عروس و داماد ها یک مزون لباس هم داریم که می توانند از ما لباس تهیه کنند و هزینه لباس نپردازند. حتی برای انجام دیگر کارها مثل گل زدن ماشین و اجاره سالن هم سعی می کنیم به آن ها کمک کنیم که زیر بار هزینه های سنگین نروند.»

حتماً باید سفره پهن شود

در این خیریه مراسم مختلف مذهبی نیز برگزار می شود و همیشه سفره اهل بیت (ع) در آن پهن است. «علاوه بر پخت غذا در مناسبت های مذهبی که در خیریه برگزار می شود، غذای گرم هم برای توزیع بین نیازمندان تهیه می کنیم. ایام ماه مبارک رمضان افطاری می دهیم و شب های قدر برنامه ویژه داریم. ۱۲ شب محرم، یعنی از اول ماه محرم تا شب شهادت امام سجاد (ع)، در دو طبقه به صورت جداگانه برای خانم ها و آقایان مراسم برگزار می کنیم و هر شب شام آب گوشت می دهیم. مادر اعتقاد دارد حتماً باید سفره پهن شود. اگر نیکوکاران کمک کنند، خورش هم می دهیم و گرنه همان آب گوشت است. هر چهارشنبه هم اینجا سفره های پهن می کنیم و در خیریه باز است. هر کس بیايد سر سفره می نشیند. فقیر و غنی ندارد. هر چه هست از نذر های مردم در سفره قرار می گیرد. گاهی هم مهمان دعوت می کنیم و سفره می اندازیم، مثلاً بچه های مدارس یا گاهی از حوزه علمیه مهمان ما می شوند.»

حمایت از ۸۰۰ دانش آموز

خیریه سجادیه در کنار حمایت از خانواده ها نگاه ویژه ای نیز به دانش آموزان دارد و هر سال به دانش آموزان نیازمند مشهدی بسته های تحصیلی اهدا می کند. «حدود ۸۰۰ دانش آموز از نواحی مختلف مشهد را زیر پوشش داریم. هر سال عید برای آن ها آذوقه و لباس کامل تهیه می کنیم و اول سال تحصیلی بسته نوشت افزار و لباس به آن ها هدیه می کنیم. دانش آموزان زیر پوشش خیریه را تا دانشگاه حمایت می کنیم و همین امسال یکی از بچه ها با قبولی در دانشگاه روزانه و کسب رتبه عالی، خستگی را از تن ما بیرون کرد. بین بچه ها المپیادی هم زیاد داریم که باعث افتخار ما هستند.»

درمانگاهی برای نیازمندان

یکی از نکات جالب در این خیریه ممنوع بودن ورود آقایان است. «در این خیریه، ورود آقایان را ممنوع کرده ایم! این ممنوعیت تنها به دلیل راحتی بانوان است. هر کاری انجام می دهیم، از آشپزی گرفته تا تولیدی ها، با حضور خانم ها است. در کارهای سنگین و جابه جایی ها آقایان کمک می کنند ولی در کل، شما در خیریه فعالیت آقایی را نمی بینید و همه کارها را خانم ها انجام می دهند. برای آینده خیریه برنامه های ویژه ای داریم. از همان سال ۷۰ مادر زمین کنار خیریه را به نیت ساخت درمانگاه یا خانه سالمندان یا خانه نگهداری کودکان بی سرپرست و بدسرپرست خریداری کرده است که در آینده، اگر توفیق داشتیم، آن را با کمک خیران آماده کنیم.»

ترس ها، نگرانی ها و گاهی اشک

هر چند رویارویی با نیازمندان و انجام کارهای خیریه با لذت گره گشایی همراه است، گاهی سخت است و تحمل برخی حرف ها روحیه ای قوی می خواهد. «ترس ها و نگرانی های زیادی در کار خیریه وجود دارد. یکی از سخت ترین کارها مرحله تحقیق و شناسایی نیازمندان است. به نظر تشخیص نیازمند واقعی واقعاً سخت است زیرا برخی ها فقط چهره ای از نیاز دارند ولی واقعاً نیازمند نیستند و می توانند زندگی را بگذرانند. برخی ها هم در حالی که بسیار نیازمندند آبروداری می کنند و چیزی نمی گویند. از این موارد زیاد دیده ام. مثلاً موردی داشتیم که متأسفانه از چند خیریه جهیزیه دریافت کرده بود. از طرفی، خانم کارگری را هم داشتیم که دنبال کار بود تا دستش را جلو کسی دراز نکند. مرحله تحقیق واقعاً سخت است. البته ما همیشه سر زده تحقیقات می رویم چون وظیفه ای که به گردن داریم بسیار سنگین است. نیکوکاران بسیاری هستند که به ما اعتماد می کنند و ما مجبوریم این مسئولیت را به بهترین نحو انجام دهیم. به لطف خداوند، گاهی گره های بزرگی از زندگی ها باز می شود و آینده خیلی ها تغییر می کند. مثلاً یک مورد بچه ای داشتیم که به دلیل نداشتن تبلت، می خواست ترک تحصیل کند. وقتی تبلت بچه تأمین شد، نمی دانید چقدر خوشحال بود که می تواند به تحصیل ادامه دهد. یا مادر جوانی را داشتیم که با دو بچه سرگردان خیابان شده بود و صاحب خانه او را بیرون کرده بود. به لطف خدا برایش سقفی پیدا کردیم و از آوارگی نجات یافت. وقتی بچه ها برای گرفتن بسته همراه می آیند، حرف های عجیبی می زنند که اشک ما را درمی آورد. یکی از بچه ها می گفت: من کفش دارم. اگر می شود به جای من به پدرم کفش بدهید. یکی دیگر از بچه ها می گفت: مادرم لباس گرم ندارد. اگر می شود، به جای من به او یک لباس گرم بدهید. این ها همه درس است. بعضی وقت ها که برای توزیع غذا یا اهدای بسته های مختلف می رویم، پسر را هم با خودم می برم. از این کار چند هدف دارم. اول اینکه کمک کردن به دیگران را یاد بگیرد و دیگر اینکه قدر چیزهایی را که دارد بداند و زیاده خواهی نکند. بداند که بعضی چیزهایی که برای بچه های خانواده های معمولی عادی است، برای بسیاری از بچه ها آرزوست که من دعا می کنم آرزوی همه این بچه ها برآورده شود.»

این مادر و دختر برکات فراوانی از کمک به مردم در زندگی خود به دست آورده اند و با ساده زیستی، در پی ترویج سبک زندگی دینی و کمک به همنوع به ویژه بانوان سرپرست خانوار هستند.

ایجاد اشتغال در این خیریه تنها بود نمی شود. طی سال ها کم کم بنای بالایی می رود و در هر طبقه زمینه ای از آموزش و... «مادر به کلاس های آموزشی و ترمیم فرهنگی و...»

بندها هم خیلی توجه داشت و زمینه اشتغال را نیز برای... این مواردی که می گویم الان هم برقرار است. ای ایشان خیلی مهم است. همیشه به مددجویان مثل... مختلف مشاوره می دهد به ویژه در زمینه های... مشکل خیلی از افراد است و غنی و فقیر نمی شناسد. «...»

خیران در چهار طبقه ساخته شده است. در دو طبقه، آموزشی و فرهنگی برای خانم ها برگزار می شد که به دلیل... کنون تعطیل اند. «یک مربی از سازمان فنی و حرفه ای...»

های مختلف همیشه به خیریه می آید. در یکی از طبقه ها... برگزار و مدرک رسمی فنی و حرفه ای به خانم ها داده... بقات، در دوره های مختلف، کارهای تولیدی مختلفی... گل های تزئینی و عروسک سازی بگیرد تا الان که در... اه تولیدی روسری و در یکی دیگر کارگاه تولیدی لباس... خانم هایی هم که اینجا مشغول به کار هستند سرپرست... به به عهده آن هاست. بعضی از خانم ها هم که امکان کار... ش ها را به خانه می برند و انجام می دهند. قبلاً هم در یکی... قرآن داشتیم که حدود هشت سال فعال بود و الان به... ل کرده ایم. کارهای تولیدی مختلف مانند دوخت چادر... های بیمارستانی را هم قبلاً انجام می دادیم.»

۲۴ شهریور
۱۴۰۱
۲۳ رمضان ۱۴۴۳ شماره ۳۵۰

شهربانو

(۵)



زهره زنگ‌آمیز
روزنامه‌نگار

شهر مهربانی با همسایه‌داری در رمضان

بانوان مشهدی در حاشیه شهرها در روزهای بلند روزه‌داری سنگ تمام گذاشتند

+ مشهد شهر همسایه‌داری است

مشهد شهر همسایه‌داری است، شهر همدلی‌های محلی. مردم این شهر سال‌هاست از مهربان‌ترین همسایه دنیا رسم و سبک زندگی آموخته‌اند.

از برکات ماه مهربانی همین است که مردم محلات قدیمی شهر از خانواده به هم نزدیک‌ترند. دقیق‌تر بگوییم، همسایه‌ها مثل خانواده‌ای بزرگ‌اند و از ریزترین اتفاقات زندگی هم باخبر. هوای همسایه را داشتن از سبک زندگی رضوی سرچشمه گرفته است و در محلات قدیمی و محلات حاشیه این شهر هم چنان برقرار.

مثلاً طایفه خانم می‌داند دیشب نسرین خانم افطار تخم‌مرغ آب‌پز با خیارشوری که هفته قبل با هم انداختند را سر سفره داشته است. او هم چنین می‌داند محمدآقا، همسایه سمت راستی، امشب ننگه‌بان شیف‌ت شب است و مریم خانم تا سحرگاه تنهاست. طایفه خانم توی کوچه، روی سکوی روبه‌روی خانه‌شان، گاهی تا سحر با زن محمدآقا گپ می‌زند، سبزی پاک

می‌کند و تدارک سحری می‌بیند تا زمان برای‌شان زودتر بگذرد.

+ محلات پایین شهر مشهد ایرانی کوچک‌اند

آنجا در کوچه‌های آخر شهر، روبه‌روی زمین‌های زراعی آستان قدس، مثلاً همه می‌دانند ماشین حسین آقا خراب شده و تعمیرگاه است و او و زن پابه‌ماهش این هفته خرج زندگی‌شان لنگ می‌زند و حسابی هوای زن و بچه‌اش را دارند. رمضان که می‌شود، این خانواده بزرگ هم سفره می‌شوند. رسم کاسه همسایگی هم پررنگ‌تر می‌شود.

ناهد خانم آش خوشمزه‌ای برای افطار می‌پزد اما قابلمه او برای خانواده چهارنفری‌شان نیست و به تعداد ۱۰ همسایه این طرف و آن‌طرف‌تر تدارک دیده شده است. میاداد خانم رضایی که پابه‌ماه است دلش خواسته باشد یا پیرمرد همسایه که تازه زنش را از دست داده است امسال احساس غربت کند. او حتی حواسش به طلبه ساده‌زیست محله‌شان هم هست.

محلات پایین شهر مشهد ایرانی کوچک‌اند با هم‌زیستی اقوام مختلف، کرمانی و یزدی و ترک و زابلی و بلوچ در کنار هم. رمضان که می‌شود، حال و هوای محلات کم‌برخوردتر متفاوت‌تر از محلات اعیان‌نشین است.

+ مساجد و محافلی که روزه‌داران را مهمان می‌کنند

این روزهای آسمانی دست‌های کریمانه نیز به سفره‌های افطار شهروندان در محلاتی که اقتصادشان کم‌رونق است، برکت می‌بخشند تا در روز محشر امیدوار به لطف و کرم کریم اهل بیت باشند. سفره‌های اطعام و انفاق به نیازمندان به همت امامان جمعه و نیکوکاران گسترده می‌شود و هرشب مساجد، حسینیه‌ها و خانه‌های بسیاری به مناسبت ماه خدا میزبان روزه‌داران‌اند. آن‌ها معتقدند ماه مبارک رمضان از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی بسیار بالایی برخوردار است و صله رحم، دست‌گیری از ضعفا



۲شنبه
۵ اردیبهشت ۱۴۰۱
۲۳ رمضان ۱۴۴۴ شماره ۲۶۵۰

(۶)

و کمک به یتیمان ثواب مضاعفی دارد. در ماه خدا، از دیگر آیین‌های محلی، برگزاری مجالس تفسیر و روخوانی قرآن است که چراغ معنویت را در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر روشنایی می‌بخشد.

+ قرآن‌های که توسط زنان دور می‌شود

جلسات جزءخوانی خانگی زنان قرآن کریم در مشهد از قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین محافل قرآنی کشور محسوب می‌شوند. در این شب‌ها هیچ کوچه‌ای نیست که به نور قرآن روشن نباشد، و پرچم این جلسات بر سرای هزاران خانه‌ها افراشته است.

اما برگزاری جلسات قرآن در منازل برای بانوان نیز رونق خاصی دارد. هر روز جلسات جزءخوانی با حضور اهالی محله و یک قاری مسلط به قرآن شکل می‌گیرد. دختران و زنان در همه سنین، گرد سفره معنوی قرآن می‌نشینند و خطبه‌خط، صفحه‌به‌صفحه و جزء‌به‌جزء می‌خوانند و برای نیت دل و برآورده شدن حاجات‌شان متوسل به امامان معصوم می‌شوند.

این جلسات همایش‌هایی محلی و سنتی است و شاید از کمترین برکات آن باخبر شدن اهالی محله از احوال هم و ایجاد آشنایی برای ازدواج دختران و پسران با وساطت خانواده‌ها باشد.

+ پخت نان برای مساجد و همکاری بانوان

شب‌های قدر و شب شهادت حضرت علی (ع) نیز حرم رضوی، مساجد و تکایا محل برگزاری مراسم عزاداری و سینه‌زنی هستند. در کنار مراسم‌های رسمی، برخی بانوان و بزرگ‌ترهای محله نیز سفره‌های نذری برای خانواده و همسایگان می‌گسترانند و پس از مراسم افطار، آیین‌های مذهبی شب قدر را برگزار می‌کنند. بیشتر این محافل با استقبال مادران و زنان روبه‌روست. این روزهای آسمانی، مشهدی‌ها مهمان ضیافت الهی‌اند. سفره بابرکت معنویت در سطح شهر گسترده شده است، نسیم وحی می‌وزد و هیچ‌کس از آن بی‌بهره نیست.

همسر شهید مدافع حرم مرتضی عطایی

از دبستگی‌های همراه زندگی‌اش حرف‌هایی شنیدنی دارد

خاطرات خوب مادر ماه رمضان شکل گرفت

همسر کارهای تعمیر تأسیسات ساختمان اعم از آب‌گرمکن، کولر و... را انجام می‌داد.

+ به حال شهدا غیبه می‌خورد

این همسر شهید از همان اول پای اعتقادات مرد خود می‌ایستد و زندگی با او را راهی برای رشد هردو می‌داند. «آقامرتضی را به عنوان یک بسیجی می‌شناختم که فعالیت بی‌نظیری در این عرصه داشت. شب خواستگاری فقط از بسیج و حوزه و پایگاه حرف می‌زد. غیر از این هیچ صحبتی با هم نداشتیم. از زمانی که همسر ایشان شدم، در امور نظامی و آموزش اسلحه و کارهای فرهنگی بود. از کارهای خیلی خاص آقامرتضی بردن کاروان زیارتی در پیاده‌روی اربعین به کربلا بود. به زیارت امام حسین (ع) بسیار علاقه داشت. مزار شهید کاوه زیاد می‌رفت و همیشه می‌گفت: اگر آن زمان بودم، حتما جنگ می‌رفتم. همیشه به حال شهدا غیبه می‌خورد. پدر مرتضی زمان جنگ در کمیته کار می‌کرد. مادرش نیز فعالیت‌های پشت جبهه داشت.»

شهید مرتضی عطایی معروف به «ابوعلی» از بسیجیان مشهور الرضا و از مدافعان حرم حضرت زینب (س) بود که جانشینی فرماندهی تیپ عمار لشکر فاطمیون را بر عهده داشت. او هم‌زمان با روز عرفه سال ۹۵ در لاذقیه سوریه به شهادت رسید. مریم جرجانی، همسر این شهید، هنوز خاطرات اولین روزهای همراهی و آشنایی با همسرش را به خاطر دارد و این خاطرات شیرین را مرور می‌کند. «من با همسر برادر آقامرتضی دوست صمیمی بودم. یک بار که در مجلس مولودی بودیم، گفتند من همراه با مادر شوهرم می‌خواهیم به خواستگاری شما بیاییم. از این موضوع چند ماهی گذشت تا اینکه مادر آقامرتضی اواخر ماه رمضان تماس گرفت و گفت می‌خواهیم بیاییم خواستگاری. خاطرات خوبمان در ماه رمضان شکل گرفت. شهید متولد ۴ اسفند ماه ۱۳۵۵ در مشهد بود. خانواده مرتضی متشکل از شش خواهر و برادر بودند. مرتضی فرزند دوم بود. بعد از ادامه تحصیل و خدمت سربازی، در مغازه پدری‌اش در کار تأسیسات ساختمان مشغول شده بود.

+ من سوریه هستم

در شرایطی که رفتن به سوریه سخت بود و خبر آن نباید می‌پیچید، او به ناچار رفتنش را از خانواده مخفی می‌کند. «نخستین بار که رفت، به من چیزی نگفت. ماه رمضان سه سال پیش برای راه‌اندازی بیمارستان امام‌سجاد که کنار نهر علقمه است، عازم کربلا شد و حدود یک ماه در کربلا بود. بعد ساعت کار نیز با گروه‌های نظامی و مردمی عراق ارتباط گرفته بود. وقتی برگشت، به یک ماه نرسید که گفت: باید مجدد کربلا بروم. سه هفته از مرتضی خبر نداشتیم. گویا برای دوره آزمایشی رفته بود. وقتی به سوریه رسیده بود، با برادرش تماس گرفته و گفته بود: من سوریه هستم.»

+ خواب دیدم

خاطرات مریم خانم به آخرین روزهای همراهی با همسر می‌رسد و آخرین تماس‌ها و آخرین سلام‌ها. «آخرین مرتبه‌ای که مرتضی راهی شد ۱۷ مرداد سال ۱۳۹۵ بود. آخرین بار، قبل از رفتن، خواب عجیبی دیدم. به مرتضی گفتم: می‌خواهی بروی منطقه؟ گفت: نه، کی گفته؟! گفتم: من خواب دیده‌ام. نگرانم اسیر شوی. می‌ترسم در شناسایی‌ها که تنها هستی، تشنج کنی و بی‌هوش شوی؛ بعد هم اسیر شوی. نگران اسارتش بودم. مرتضی خیلی تشنج

می‌کرد، به دلیل حضور در منطقه و موج‌های انفجار که گرفته بود. خوب به یاد دارم آخرین مرتبه‌ای که برگشت، اسفند ۱۳۹۴ بود. آن هفته سه بار تشنج کرد. یعنی هر هفته سه بار این حالت به او دست می‌داد. مرتضی سردرد می‌شد و اگر قرص هایش را نمی‌خورد، بی‌هوش می‌شد. آخرین باری که راهی شد، به رویش نیاوردم که می‌دانم قصد رفتن دارد. اولین مرتبه‌ای بود که از بچه‌ها خداحافظی کرد. از پدر و مادر من هم خداحافظی کرد. روز آخر می‌دانستم که دیگر او را نمی‌بینم.»





آیین زنانه در دربار ناصری به مناسبت ماه رمضان

«افطار» واژه‌ای عربی است که ریشه آن کلمه «فطر» به معنی گشودن و شکستن روزه است. رسم افطاری دادن بنا بر سنت دینی مسلمانان، از دیرباز در ایران و حتی در دربار شاهان مختلف مسلمان رواج داشته است. برای نمونه، در دوره آل بویه، ضیافت‌هایی در شب‌های ماه رمضان در بغداد برپا بود که بیش از هزار نفر در آن شرکت می‌کردند. این قبیل افطاری دادن در زمان شاهان صفویه نیز متداول بوده است. یکی دیگر از ادوار تاریخی ایران که رسم افطاری دادن در آن ثبت شده است دوره قاجار است. از میان شاهان این دوره، ناصرالدین شاه طولانی‌ترین دوره حکمرانی را داشته است. وی به سلطان صاحب‌قران مشهور بوده و اولین پادشاهی است که خاطرات خویش را به رشته تحریر درآورده است. علاوه بر این، سند کتابی به نام «یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه» نوشته دوستعلی خان معیرالممالک، نوه ناصرالدین شاه، در دست است که بخشی از آداب ماه رمضان دربار ناصری را توضیح می‌دهد. ناصرالدین شاه از سلاطینی است که روزه می‌گرفته و مناسک ماه رمضان را نیز انجام می‌داده است. به فرمان ناصرالدین شاه، در ماه رمضان، شب‌ها عبور مرور در شهر آزاد بوده و نیازی به گفتن اسم شب نبوده است. برخی کارهای دولتی نیز به جای روز، در شب و بعد از افطار انجام می‌شده است. در دربار اوسفره افطاری گسترده می‌شد و وزرا، امرا، اشراف و اعیان در محضر شاه افطار می‌کردند. در این دوره، برای اطلاع دادن زمان افطار، توپ شلیک می‌شد، رسمی که از زمان ناصرالدین شاه رایج شد. آن طور که در اسناد آمده است، افطاری عهد ناصری عبارت بود از نان و پنیر و سبزی، حلوا، مربا، فرنی، شیربرنج، ماست کیسه‌ای، شیر و شکر، یخ‌دربهشت، خیار، افشره آب لیمو، دوغ و انواع ترشی آش و کوکو و کوفته. علاوه بر این، تاهنگام سحر وعده‌هایی را تدارک می‌دیدند. به همین علت، بعد از جمع شدن سفره افطار، نان قندی و نان روغنی به همراه پنیر و مربای بالنگ، ماست کیسه‌ای، مسقطی و انواع فالوده همچون فالوده نشاسته، فالوده سیب، فالوده خیار و سکنجبین، خوشاب آلبالو، ریواس و گوجه، پشمک برای شاه و درباریان می‌آوردند و تناول می‌کردند. نوع غذا را مطبخ شاهی تعیین می‌کرده و با توجه به فصل، تغییراتی در آن داده می‌شده است. برای سحری نیز غذاهایی چون کته‌چلو و پولود و قاب، خورش مرغ و گوشت، کباب لوله، آب گوشت و کوکو، آش، کوبیده و کباب شامی تدارک می‌دیدند. از دیگر رسوم این زمان آن بود که چون وقت اذان مغرب می‌شد، در اندرون شاهی پرده‌ای می‌کشیدند و در سوبی منبری قرار می‌دادند و شیخ سیف‌الدین، برادر شیخ‌الرئیس که از شاهزادگان مجلس به لباس آخوندی بود، به نماز می‌ایستاد. آن سوی دیگر پرده، زنان درباری پشت سر امام حاضر نماز می‌خواندند. چون نماز تمام می‌شد، شیخ به منبر می‌رفت و زنان سؤالات مذهبی خویش را از وی می‌پرسیدند. در شب‌های ماه مبارک نیز زنان سال خورده شاه محفلی برای خواندن قرآن و طرح مسائل شرعی برپا می‌ساختند و شیخ اسدا... قاری نابینا، قرائت بانوان را اصلاح می‌کرد. در سه شب قدر نیز زنان اندرونی قرآن سر می‌گرفتند، دعای جوشن کبیر می‌خواندند و در پایان هر بند به گلاب و حبه‌قند می‌دمیدند. شاه گاهی به مراسم زنان اندرون قدم می‌گذاشت و آنان را نظاره می‌کرد. آنچه ذکر شد بخشی از رمضان عهد ناصری بود که نمادی از ارزش و منزلت ماه رمضان و حضور زنان در گذشته است.



موقوفات زنان از صفویه تا قاجار در مشهد

غلامرضا آذری خاکستر
کارشناس و پژوهشگر تاریخ

در طول تاریخ، وقف به عنوان سنتی حسنه و کمک به هموعان مطرح بوده است. سابقه موقوفات در مشهد بیانگر آن است که حرم مطهر به عنوان تشکیلات موقوفاتی همواره مورد توجه شیعیان و اراک‌مندان به امام رضا^(ع) بوده است. در مجموعه موقوفات آستان قدس رضوی زنان واقف به عنوان بخشی از جامعه همواره با وقف بخشی از املاک و دارایی‌های خود در این امر خیر مشارکت داشته‌اند.

گوهرشادبانوی یکی از زنان مؤثر و مهم تاریخ ایران در عصر تیموری به شمار می‌رود که منشأ خدمات و خیرات بوده است. هرچند تاریخ تولدش به درستی معلوم نیست، اغلب پژوهشگران حدود سال ۷۸۰ هجری قمری را ذکر کرده‌اند. مؤلف «مآثر الملوک» و ارا از اشراف زنان خراسان و صنیع‌الدوله از وی به عنوان زنی باوقار، خردمند و ثروتمند یاد کرده‌اند. پدرش امیرغیاث‌الدین ترخان، از امرای عهد تیموری، و مادرش بانو خان زاده بیگم است.

زندگی و حیات گوهرشاد خاتون را می‌توان در دو بعد مورد بررسی و واکاوی قرار داد: نخست، به عنوان زنی خیر و واقف که دوران حیاتش منشأ امور خیر بوده است. دیگر در حوزه سیاسی و مشارکت در امور کشور. این بانوی نیکوکار در طول حیاتش با حمایت‌هایی که انجام داده موجب ایجاد بناهای ارزشمندی شده است. از جمله، مسجد جامع گوهرشاد مشهد یکی از شاهکارهای هنری و از مساجد مهم و مشهور ایران است که هنر و معماری اسلامی در دوره تیموریان را می‌رساند. بنای این مسجد توسط قوام‌الدین شیرازی، از معماران برجسته عصر تیموری، در سال ۸۱۸ هجری قمری در مجاورت حرم مطهر رضوی شروع شده و در سال ۸۱۲ هجری قمری به پایان رسیده است. گوهرشادآغا در سال ۸۲۹ قمری پس از اتمام بنای مسجد گوهرشاد، رقباتی در ولایت توس و جام وقف این مسجد کرد از جمله ۶۱ دکان، مزرعه سعیدآباد، مزرعه سده، مزرعه قوزغان و... نوع مصرف این موقوفات را نیز در جهت رفق و تفق امور مربوط به مسجد و زوار مرقد مقدسه رضوی نهاده است.

مدرسه پریزاد از دیگر بناهای دوره تیموری است که بانی آن پریزاد، همسر میرزا میرک حسینی (متولی مزار خواجه ربیع و ندیمه گوهرشادآغا) است. موقوفات بسیار آن نیز برای مستمری ماهانه طلاب بوده است.

هم‌چنین در دوره صفویه، زنان موقوفاتی را به حرم مطهر اختصاص داده‌اند. بانگاهی به فهرست موقوفات آستان قدس رضوی در دوره صفویه، با پنج نفر از بانوان خیر آشنا می‌شویم که بخشی از املاک و مزارع خود را برای مصارف حرم مطهر وقف کرده‌اند که از محل مصرف این موقوفات، برای روشنایی حرم مطهر، مطبخ، تلاوت قرآن و مصالح آستان قدس رضوی هزینه می‌شود. در این دوره، برخی زنان همچون آهوخانم، قمرنساخانم و فاطمه‌خانم موقوفاتی را از خود به یادگار گذاشته‌اند که مصارف این وقفیات در زمینه روشنایی، مطبخ حرم مطهر و... هزینه می‌شود. بنابر اسناد باقی‌مانده، عمل به نیت واقفان در طول تاریخ در تشکیلات آستان قدس وجود داشته و سهم بانوان در دوره افشاریه با یک وقف برای مصارف زائران و مطبخ حرم مطهر ادامه داشته است.

در دوره قاجار، مشارکت بانوان برای وقف در آستان قدس رضوی درخور توجه است به طوری که حدود ۲۰ مورد وقف توسط ۲۳ نفر از زنان خیر املاک و مستغلات وقف آستان قدس رضوی شده است. نوع مصارف تعیین شده از سوی واقفان در این دوره بیشتر متمرکز بر روشنایی حرم، دارالشفاء، تعزیه‌داری، فقرا و... می‌باشد.

با بررسی سهم زنان در وقف، چنین استنباط می‌شود که معمولاً در هر دوره‌ای، مشارکت در وقف توسط طبقات مختلف جامعه وجود داشته است. فراز و فرود موقوفات و توجه به نیاز جامعه از مشخصه‌های این موقوفات است که بنا به مقتضیات زمانی و مکانی، واقفان به انجام عمل وقف اقدام کرده‌اند. درآمد و هزینه‌های این موقوفات در دفاتر مالی آستان قدس ثبت شده و بنابر نوع وقف و نوع مصارفی که واقف برای آن تعیین کرده است هزینه می‌شوند.

واقفانی چون مریم‌خانم و سکینه‌خانم در سال ۱۲۸۷ هجری قمری اموال و دارایی خود را وقف بر تعزیه‌داری سیدالشهدا در کشیک ثانی حرم مطهر امام رضا^(ع) قرار داده‌اند یا عزت‌الملک خانم ملقب به اشرف‌السلطنه در سال ۱۳۲۸ هجری قمری موقوفه‌ای در زمینه خیرات و میرات و تعزیه‌داری حضرت رسول^(ص) از خود بر جای گذاشته است.

هم‌چنین در اسناد باقی‌مانده در دوره

قاجاریه در صفر ۱۳۱۷ هجری

برگزاری مراسم روضه‌خوانی

در محل کشیک‌خانه از

محل مصارف موقوفه

انیس‌الدوله انجام

شده

است.



یک بام و دو هوا



کمبودی در زندگی روزمره بوده یا سبک زندگی خاص، او را از زندگی عامیانه خارج کرده است. اما شاید یکی از دلایل نگاه غیرمنطقی به زنان این باشد که اکثریت قریب به اتفاق نویسندگان سریال‌های تلویزیونی را آقایان تشکیل می‌دهند. از همین رو نگاه‌های مردانه در این زمینه غلبه داشته است. لذا نتوانسته‌اند تعریف و حتی شرایط منطقی و کاملی از زندگی یک زن کامل در جامعه ایرانی را ارائه کنند و معمولاً تلاش کرده‌اند از زندگی طبیعی فاصله بگیرند.

از سوی دیگر، سفارش‌دهندگان مجموعه سریال‌هایی که در تلویزیون حضور دارند یا شورای فیلم‌نامه این‌گونه سریال‌ها را نیز آقایان تشکیل می‌دهند، آن‌هم از جنس آقایانی که با نگاهی یک‌سویه و تک‌بعدی به شخصیت زن و فارغ از در نظر گرفتن توانمندی‌ها و حتی آزادی‌های مشروع یک زن، با عینکی رادیکال به حضور زنان نگاه می‌کنند.

نمایش حضور یک زن ایرانی در اجتماع با حفظ حرمت و شخصیت و البته با بهره‌گیری از قالب‌های مختلف و ژانرهای گوناگون، کار چندان دشواری نیست به شرط آنکه تصمیم‌گیران و افرادی که در رأس مجموعه بزرگی مانند صداوسیما نشسته‌اند، نخست بخواهند این اتفاق بیفتد. پس از آن نیز با برداشتن تعصب‌های بیجا و در عوض تأکید بر بهره‌گیری از خصوصیات واقعی از شخصیت زن، آن را به منصفه ظهور برسانند. اتفاقاً بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات و نگاه درست به سخن معصوم در ارتباط با زن، کمک می‌کند فهمی درست از شخصیت زن شکل بگیرد و به جای تعصب‌های بیجا، واقعیت مبتنی بر حفظ حرمت و شخصیت او به بازنمایی هرچه بهتر شخصیت زنانه از دریچه رسانه کمک کند.

هوشنگ صمدی، تکاور بازنشسته نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی، را نیز درآورد. از سوی دیگر، به همان اندازه که این نگاه‌های اغراق‌آمیز می‌تواند باعث طرد و دفع مخاطب باشد، نگاه‌های حداقلی و مینیمال نیز می‌تواند به این موضوع دامن بزند. از آن جمله می‌توان به سریال «او یک فرشته بود» اشاره کرد که شاید به دلیل فقر محتوایی موجود در باکس پخش سریال‌های ماه مبارک رمضان، امسال بار دیگر پای خود را به این عرصه باز کرد. زن در قالب یک فرشته می‌تواند در مسیر سیاهی قرار گیرد.

شاید این نکته مطرح شود که همان‌گونه که تعریفی نادرست برای نقش آفرینی زن می‌تواند آسیب‌زا و مشکل‌آفرین باشد، این موضوع درباره نقش آفرینی مرد نیز می‌تواند صادق باشد. اما این مسئله قابل توجه است که اولاً نسبت بین سریال‌های تلویزیونی که یک زن نقش محوری در آن دارد، در مقایسه با سریال‌هایی با نقش آفرینی نقش اول مردان، بسیار ناچیز است. از سوی دیگر، کمتر مجموعه تلویزیونی را می‌توان یافت که قهرمان و نقش اول آن مربوط به یک زن باشد و آن زن بتواند در قالب زندگی عادی و روزمره خود به نقش آفرینی بپردازد. گویا یک زن نمی‌تواند در مسیر یک زندگی عادی مورد توجه یک نویسنده قرار بگیرد و آن زمان هم که زن در نقش اول این سریال قرار گرفته، یا دچار

بازنمایی صحیح و بجا از شخصیت زن در رسانه ملی از بزنگاه‌ها و نقاط آسیب‌پذیر بوده است.

نتیجه آن نیز غالباً این بوده که رسانه ملی نقشی ناموفق در این میان داشته است. شاید دلیل این موضوع را بتوان در نگاه‌های افراطی و تفریطی به شخصیت زن دانست که بر این اساس، رسانه را همواره بر سر دوراهی قرار داده است. نتیجه عبور از هریک از مسیرهای این دوراهی هم موجب آن شده که یا نگاهی چنان اغراق‌آمیز و کاریکاتوری به شخصیت زن وجود داشته که نتوانسته آن را به یک قالب طبیعی و باورپذیر تبدیل کند یا این‌گاه چنان مینیمال و تفریطی بوده که آن را از حداقل قالب انسانیت نیز خارج کرده است.

شاید یکی از بارزترین نمونه‌های اغراق‌آمیز بازنمایی شخصیت زن و حضور او به عنوان نقش اول یک مجموعه تلویزیونی را بتوان به سریال «کیمیا» نسبت داد، سریالی که به دلیل همین اغراق‌های بی‌مورد، حتی نتوانست با اقبال عمومی بانوان نیز روبه‌رو شود و اغراق‌های بیش‌ازاندازه در آن به موضوعی مبدل شد که صدای افرادی مثل ناخدا



سریال احضار



سریال او یک فرشته بود

شهربانو

۲۳ شهریور
۵ اردیبهشت ۱۴۰۱
۲۳ رمضان ۱۴۴۳ شماره ۲۶۵۰

(۸)

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب‌امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرعامل:
سیدمیثم موسوی مهر
سردبیر:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه:
حمیده وحیدی
صفحه‌آرایی و گرافیک:
ملک جمعی

شهرزاد

دکتر سمانه پورمحمد
پژوهشگر ارتباطات و رسانه



نگاهی کوتاه به کتاب «مناسک مذهبی زنانه در آینه تاریخ»

فرهنگ اسلامی به روایت تاریخ

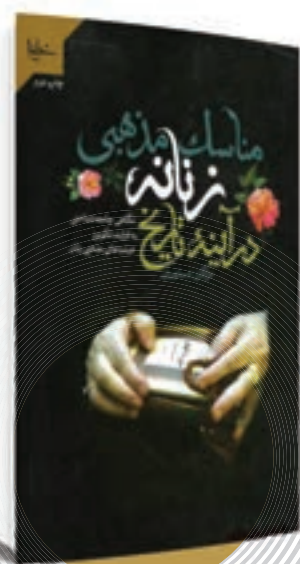
نوشته مژگان دستوری از مجموعه «مطالعات آیین‌های سوگواری مذهبی» است که نگاهی جامعه‌شناختی به فرایند تکوین هیئت‌های مذهبی زنان دارد. این اثر از پنج بخش تشکیل شده است: ۱- کلیات ۲- فرایند تاریخی مناسک عزاداری زنان و ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی زنان ۳- تعریف مفاهیم و مبانی نظری ۴- هیئت‌های مذهبی زنانه ۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.

کتاب «مناسک مذهبی زنانه در آینه تاریخ» با زتاب عناصر دینی در کنش‌های اجتماعی و فرهنگی زنان را در سه دوره تاریخی نشان می‌دهد. شناخت ارتباط دینی زنان در طول تاریخ برای

جامعه امروز ضرورت دارد زیرا نشان‌دهنده موقعیت اجتماعی آن‌هاست بر اساس تفاسیر دین، تصمیماتی که بر اساس نگاه دینی می‌گرفته‌اند و سیاست‌گذاری‌هایی که در این زمینه برای زنان و چگونگی ارتباط آن‌ها با دین صورت می‌گرفته است. در این کتاب که برگرفته از منابعی همچون «زنان در نخستین سده‌های اسلامی»، «نقد گفتمان دینی»، «سفرنامه البویه» و «نخل گردانی» نگارش شده است، هدف نگارنده این است که فرایند تاریخی آیین عزاداری را به مثابه یک واقعیت اجتماعی در جامعه شیعه ایرانی و همین‌طور در جامعه فعلی بررسی کند.

هم‌چنین، فهم الگوهای تجربی آن در تاریخ چند قرن از فرهنگ اسلامی شیعی ایران و رابطه آن با بستر فرهنگی اجتماعی، مقصد اصلی این نوشتار است. در این راستا، قسمت اعظم این کتاب در بخش سوم و چهارم، پدیده اجتماعی را در مقاطع مختلف تاریخی و به تبع تغییرات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جامعه بررسی می‌کند.

کتاب «مناسک مذهبی زنانه در آینه تاریخ نگاهی جامعه‌شناختی به فرایند تکوین هیئت‌های مذهبی زنان» را مژگان دستوری دارد انتشارات خیمه در ۲۴۶ صفحه منتشر کرده است.



مناسک مذهبی زنانه در آینه تاریخ
نویسنده: مژگان دستوری